

## بررسی نحوه سازمان یافتگی هویت مدرن و مذهبی و رابطه آن با بهزیستی در دانشجویان دانشگاه تهران: تحلیل سازمان یافتگی خود مبتنی بر اصل های معرفت شناختی باکوبزا

سید محمد مهدی حسینی

کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) m.haghighat.h@gmail.com

دکتر جواد حاتمی

دانشیار دانشگاه تهران

دکتر عباس رحیمی نژاد

دانشیار دانشگاه تهران

دکتر هادی بهرامی احسان

دانشیار دانشگاه تهران

رزا شفیعی

کارشناس ارشد دانشگاه تهران

مسعود شریفزاده

کارشناس ارشد دانشگاه علامه طباطبایی

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت: مهر ۹۴

پذیرش: بهمن ۹۴

### چکیده

**هدف:** هدف از این مطالعه بررسی نحوه‌ی سازمان یافتگی هویت دینی و مدرن در نسل جوان و رابطه آن با بهزیستی است. **روش:** تعداد ۳۶۰ دانشجو دانشگاه تهران (۱۸۰ دانشجوی پسر، ۱۸۰ دانشجوی دختر) در این پژوهش شرکت و پرسشنامه های هویت مدرن (حاتمی، ۱۳۹۰)، پرسشنامه هویت مذهبی (رحیمی نژاد و احمدی، ۱۳۷۴)، پرسشنامه سبک هویت (ISIG33، بزونسکی، ۱۹۹۲) و پرسشنامه بهزیستی (دنییر و همکاران، ۱۹۸۵) را تکمیل کردند. از ضریب همبستگی برای تحلیل داده ها استفاده شد. **یافته ها:** یافته‌ها نشان داد بین هویت مذهبی و مدرن جوانان در سطح (۰/۰۱) رابطه منفی وجود دارد. بین هویت مدرن و سبک اطلاعاتی در سطح (۰/۰۵) و همچنین هویت مذهبی و سبک هنجاری در سطح (۰/۰۱) رابطه مثبت معنادار وجود دارد. بهزیستی با هویت هنجاری رابطه مثبت معنی دار و با هویت اطلاعاتی و اجتنابی و همچنین سبک های هویت (هویت مدرن و هویت مذهبی) فاقد رابطه معنی دار بود. **نتیجه گیری:** یافته‌ها حاکی از آن بود که سبک هویت مدرن و مذهبی هر دو سازمان یافتگی مستقل، سازگار و یگانه دارند که می‌توان از آن با عنوان هویت یکپارچه نام برد. تفاوت‌های هویت مدرن و مذهبی در پویایی درونی بیشتر مدرن به نسبت هویت مذهبی است و این پویایی بیش از آنکه در سطح ساختار هویت باشد در سطح محتوای آن است و در نهایت بهزیستی با نحوه مواجهه دانشجویان با اطلاعات مربوط به هویت و نه با محتوای هویت در ارتباط بود.

**کلمات کلیدی:** هویت مذهبی، هویت مدرن، سبک‌های پردازش هویت، بهزیستی

## مقدمه

در مطالعات بین فرهنگی، هویت و در نگاهی جامع تر «خود»<sup>۱</sup> در دو سنت شرقی و غربی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مفهوم‌پردازی‌های غربی افراد اغلب به شکل واحدی متمایز و مستقل نشان داده می‌شود که عملکردی منطقی- عقلانی در جامعه‌ای با افراد خودمختار و عقلانی دارند (گیرتز<sup>۲</sup>، ۱۹۷۳؛ جانسون<sup>۳</sup>، ۱۹۸۵؛ مارکوس<sup>۴</sup> و کیتایاما، ۱۹۹۱؛ موشمن<sup>۵</sup>، ۱۹۹۹؛ شویدر و بورن<sup>۶</sup>، ۱۹۸۴؛ تریاندیس<sup>۷</sup>، ۱۹۸۹). در این دیدگاه، صفاتی چون تجانس<sup>۸</sup>، هماهنگی<sup>۹</sup> و ثبات<sup>۱۰</sup> به‌عنوان شاخص‌های سلامتی و بهنجاری روانی هستند. علاوه بر این، زمانی که تجربیات با دیدگاهی که فرد نسبت به خود دارد همگرا و هماهنگ باشد، منبعی برای امنیت و شادی است و به همین منوال زمانی که رشته سازگاری بین تجربیات و پنداشتی که فرد از خود دارد بگسلد، فرد احساس ناراحتی و اضطراب می‌کند (فستینگر<sup>۱۱</sup>، ۱۹۵۷). در نتیجه، موقعیت‌هایی که پنداشت غالب فرد را به چالش می‌کشد، حالت عاطفی فرد را دچار آشفتگی کرده و موجب می‌شود فرد فعالیت‌های را برای بازتحکیمی پنداشت‌های پیشین خود در پیش بگیرد (مارکوس و کوندا<sup>۱۲</sup>، ۱۹۸۶).

در مخالفت با سنت غرب که به «خود» به‌عنوان امری جهانی می‌نگریستند، نظریه‌پردازانی هستند که به غرابت‌های فرهنگی جوامع مختلف توجه کردند (گیرتز، ۱۹۸۴؛ مارسلا، دی وو و هسو<sup>۱۳</sup>، ۱۹۸۵؛ شویدر و بورن، ۱۹۸۴) و در نهایت ساختارهای متفاوتی را برای «خود» مطرح کردند. این تلاش‌ها شواهد و حمایت‌های گسترده‌ای را به همراه داشته است که نشان می‌دهد تفاوت‌هایی کلی در محیط‌های فرهنگی متفاوت وجود دارد. به‌ویژه «خود» در فرهنگ‌های غیر غربی بخصوص شمال شرق آسیا، بیشتر اجتماعی و وابسته به روابط بین فردی شکل می‌گیرد و کمتر به شکلی متمایز و مجزا وجود دارد و دارای انعطاف‌پذیری، ناسازگاری و ویژگی‌های بافتی است (هین و لمن<sup>۱۴</sup>، ۱۹۹۷؛ مارکوس و کیتایاما، ۱۹۹۱؛ سو<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۲؛ تریاندیس، ۱۹۹۵).

جامعه ایران در این تقسیم‌بندی در سنت شرقی قرار می‌گیرد اما لازم به تأکید است که بسیاری از این مطالعات توسط محققان غربی یا محققانی که به شکل غربی آموزش دیده‌اند انجام شده است. در نتیجه تلاش آن‌ها برای فهم «خود» در فرهنگ‌های دیگر به دلیل خودمیان بینی و انحراف در شرق‌شناسی خالی از تحریف نیست (سید<sup>۱۶</sup>، ۱۹۷۸). علاوه بر این بسیاری از این تحقیقات در فرهنگ‌های شمال شرق آسیا انجام شده و برچسب

1. self
2. Geertz, C.
3. Johnson, F
4. Markus, H. R
5. Moshman, D
6. Shweder, R. A., & Bourne, E. J
7. Triandis, H. C
8. congruence
9. coherence
10. stability
11. Festinger, L
12. Kunda, Z
13. Marsella, A. J., DeVos, G., & Hsu, F. L. K.
14. Heine, S. J., & Lehman, D. R
15. Suh, E. M
16. Said, E

غیرغربی خورده و در مقابل فرهنگ‌های آمریکایی و اروپایی قرار داده شده است. این تحقیقات بخش‌های زیادی از جهان را تحت پوشش قرار می‌دهد اما تمامی فرهنگ‌های غیر غربی را شامل نمی‌شود در نتیجه بایستی در تعمیم نتایج محدودیت‌ها را مدنظر قرارداد و آن‌ها را بازنمایی کل جهان غیر غرب در نظر نگرفت (باکوبزا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷).

اگرچه طبیعت گیج‌کننده نشانه‌های فرهنگی اواخر عصر مدرنیته مذاقه‌ای دقیق در یک سنت خاص تفکری و تعیین مرزها و قلمرو آن را به نحوی غیرممکن کرده است (توریل و پرکینز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴)، اما نگاهی تاریخی می‌تواند محتوای هویت جامعه ایرانی را به خوبی نشان دهد. مسئله هویت در جامعه ایران مسئله‌ای در جریان است. تاریخ نشان می‌دهد ایران با فراز و نشیب‌های زیادی روبرو بوده است و فرهنگ ایرانی به علت موقعیت خاص خود از سه حوزه تمدنی ایرانی، اسلامی و غربی تأثیر پذیرفته است (بروجردی، ۱۳۷۹). در این میان آیین‌های ایرانی با مفاهیم اسلامی درهم آمیخته است (قمری، ۱۳۸۴). از سوی دیگر در روایت اسلام شیعی در ایران، آیین‌ها و مراسم ایرانی پیرایش شد. عناصر اسطوره‌ای و فرا تاریخی و نمونه‌های ازلی روح ایرانی، هویت تاریخی یافت و دارای بار مسئولیت شد (افتخارزاده، ۱۳۷۷). این آیین‌ها به عنوان بخشی از هویت مشترک ایرانی توانسته‌اند ابزار پیوند هم‌بستگی بین اعداد و پیوست تفاوت‌ها باشند.

اما اگر بر جهان مدرن، فردیت، خردگرایی، گیتی‌گرایی و انسان‌محوری حکم فرماست، هویت ایرانی بر جمع‌گرایی، ایمان محوری، تحقیر جسم و زمین و برتری دادن جهان ابدی، ازلی و اسطوره‌ای، یا اخلاقی-ذهبی و خدامحوری استوار است. از این رو هویت مدرن دارای ارزش‌گذاری متفاوت و در تناقض وافر با ارزش‌گذاری‌ها و مضامین هویت ایرانی است (حافظ نیا، ۱۳۸۵).

این هویت جدید یا ویژگی‌های فردگرایانه و ماتریالیستی (احمدی، ۱۳۸۰) ناهمخوانی‌هایی را با هویت مذهبی دارد. اما مطابق با تبیین‌های شناختی-انگیزشی، انسان‌ها نیاز دارند احساس امنیت و آرامش کنند و سعی می‌کنند از عدم اطمینان و ابهام دوری گزینند و پیش‌بینی پذیری و ثبات را در زندگی خود افزایش دهند (کراگلنسکی<sup>۳</sup>، ۱۹۸۹)، مسئله اساسی آن است که این تعارض چگونه حل می‌شود. برای مثال به تعادل رسیدن را هایدر<sup>۴</sup> (۱۹۴۶) در نظریه تعادل اجتماعی مطرح می‌کند که خود می‌تواند در موقعیت‌های مختلف و با الگوهای سازمان‌یافتگی متفاوتی همراه باشد. به عنوان نمونه بهاراتی<sup>۵</sup> (۱۹۸۵) مطرح می‌کند که در هندوستان افراد به دلیل جداسازی خود به نوعی عایق‌بندی مابین وجوه مختلف خود رسیده‌اند که مانع از تجربه تضاد شناختی شده است و بدین صورت ناسازگاری تهدیدی برای بهزیستی<sup>۶</sup> در آن‌ها نیست؛ چراکه از نظر آن‌ها هرکدام از این بخش‌ها، نشانه‌هایی از جهان نامتجانس ما هستند. اما این سازگاری در ایران به چه صورتی اتفاق می‌افتد؟ آیا این سازگاری منجر به تغییراتی در سازمان‌یافتگی در هویت خواهد شد؟ ساختار «خود» در هویت ایرانی به چه شکل است؟

باکوبزا (۲۰۰۷) در تحلیلی معرفت‌شناختی بیان می‌کند که «خود» می‌تواند حاوی محتواهای بسیاری باشد اما شمار معدودی در حوزه شکل و ساختار آن وجود دارد. می‌توان با استفاده از نظریه روایت برای روشن شدن

1. Bakobza, G

2. Turiel, E., & Perkins, S. A

3. Kruglansky, A. W

4. Heider, F

5. Bharati, A

6. Compartmentalization

7. Well-being

این مسئله کمک گرفت. شمار جملات معنادار یک داستان بی شمار است اما قواعد دستوری جملات آن بسیار کمک و قوانین آن قابل‌بازشناسی است. به همین صورت «خود» گوناگونی‌های بسیاری در محتوا دارد اما به نظر می‌رسد شمار معدودی از قواعد، ساختار آن‌ها را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد. قواعدی که دانش و معنا در «خود» را مدیریت می‌کنند، مسئول شکل نهایی خود هستند. محققان بسیاری در گذشته با استفاده از اصول و قواعد سعی در شناخت «خود» داشته‌اند. جیمز<sup>۱</sup> (۱۸۹۰) معتقد بود، اتحاد و تداوم، قواعد اساسی ساختار خود هستند. اریکسون<sup>۲</sup> (۱۹۶۸) بر اهمیت یکسانی زمانی و موقعیتی و همچنین بر تداوم در ساختار هویت خود تأکید دارد. در نگاه اریکسون، هویت سالم و تکامل‌یافته بایستی از طریق دستیابی به سازگاری و توالی منظمی از تفکرات و احساسات در طول زمان، در فرد شکل بگیرد. چندلر، لالونده و سوکول<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) بر تداوم خود به‌عنوان عاملی جهانی در شکل‌گیری خود تأکید می‌کنند. این متفکران با تعیین برخی تقسیم‌بندی‌های پایه مانند، اتحاد، تداوم و سازگاری، مفاهیمی را به این حوزه افزودند. اگرچه بایستی اشاره کرد که این اندیشمندان در افزودن بیش از یک یا دو اصل شکست خوردند و در نتیجه انواعی که آن‌ها پیشنهاد کرده‌اند بسیار محدود بوده است اما باکوزا (۲۰۰۷) در تحلیلی جامع، شش قاعده ترکیبی سازگاری-ناسازگاری<sup>۴</sup>، ثبات-پویایی<sup>۵</sup>، حفاظت-دگرذیسی<sup>۶</sup>، یگانگی-چندگانگی<sup>۷</sup>، وافت وابستگی-وافت ناوابستگی<sup>۸</sup>، دیگر وابستگی-دیگر ناوابستگی<sup>۹</sup> را ارائه می‌دهد و از این شش اصل، چهار معرفت بنیادی یکپارچه-یک‌شکل<sup>۱۰</sup> (MM)، نسبی-ارتباطی<sup>۱۱</sup> (RR)، جدلی-بازسازی شونده<sup>۱۲</sup> (DD)، کامل-دربرگیرنده<sup>۱۳</sup> (II) را بیرون می‌کشد.

به بیانی دیگر باکوزا (۲۰۰۷) بیان می‌کند که «خود» به‌عنوان نظامی از دانش و معنا توسط گروهی از قواعد مرتبط با یکدیگر سازمان‌یافته است و به مجموعه آن، معرفت/پستم خود گفته می‌شود. تفسیرها و بکارگیری متفاوت این قواعد، اشکال متمایزی از «خود» را ایجاد می‌کنند که به شکل زیرلایه‌های «خود» با مؤلفه‌های بافتی گوناگون عمل می‌کند. شناسایی اصل‌ها و معرفت‌هایی که توسط این قواعد ساخته می‌شود، می‌تواند ارزش تبیینی زیادی در تعیین کیفیت‌های بنیادی انواع مختلف «خود» داشته باشد.

همانطور که اشاره شد گرچه مسئله سازگاری پیشینه‌ای به‌اندازه علم روانشناسی دارد اما بررسی آن در ساحت تقابل هویت مدرن و مذهبی در ایران مسئله جدیدی است. شاید بتوان اولین مدل نظری را به کار حاتمی (۱۳۸۸) با عنوان خویش-تن منسوب کرد. حاتمی با رویکردی شناختی-اجتماعی معتقدند است که سازگاری بین دنیای جدید و زندگی سنتی مستلزم تغییری در سازمان‌یافتگی و نه محتوای شخصیت نسل جدید ایران است. وی

1. James, W

2. Erikson, E. H

3. Chandler, M. J., Lalonde, C. E., & Sokol, B. W

4. consistency-inconsistency

5. fixedness-dynamism

6. preservability-transformation

7. singularity-plurality

8. context independent-context dependent

9. other independent-other dependent

10. monolithic-monoformal

11. relative-relational

12. dialectic-deconstructive

13. integral-inclusive

برای تبیین مسئله هویت در جامعه ایرانی از دو مدل هویت متحدالمرکز و موزاییکی استفاده می‌کند. شواهد مطالعه حاتمی (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که نسل جوان به سمت موزاییکی شدن در حال حرکت است؛ به صورتی که هویت‌ها، مستقل از یکدیگر رشد می‌کنند. تجلی این موزاییکی شدن را می‌توان در افزایش هویت مدرن و کاهش نیافتن هویت ملی و دینی و همچنین در تغییر نگرش مذهبی این نسل مشاهده کرد به صورتی که کمتر به اجبارهای اجتماعی توجه دارند و دین را به‌عنوان عقیده شخصی حاکم بر زندگی فردی می‌پذیرند. از نظر وی منطق این نگاه به دین و خوانش جدید با منطق هویت موزاییکی همخوان است که با نگرش نسل بزرگسال که متحدالمرکز و متأثر از دین می‌باشد، متفاوت است در صورتی که کمیجانی (۱۳۹۲) با استفاده از همین سنت از استعاره هویت هم‌کوشی<sup>۱</sup> استفاده می‌کند که در آن اشاره به ترکیب مؤلفه‌های هویت دینی و مدرن دارد.

اما مسئله هویت در جامعه ایران مسئله پیچیده‌ای است و به نظر می‌رسد به مدل‌هایی با پیچیدگی و تمایزیافتگی بیشتر و فرضیات ترکیبی حساس‌تری احتیاج است (باکوبزا، ۲۰۰۷). از سویی تحلیل ساختار «خود» در جامعه ایران بدون بررسی ساختار و محتوای هویت غیرممکن است. از این رو، بررسی مغتیرهایی که امکان تحلیل را افزایش می‌دهد در این زمینه ضروری می‌نماید. یکی از مدل‌های مهمی که در پیشینه پژوهشی هویت بسیار مهم بوده و ما را در تحلیل معرفت‌شناختی «خود» یاری می‌رساند، مدل پردازش هویت برزونسکی<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) است. پس از نظریه سازه شخصی کلی<sup>۳</sup> (۱۹۵۵)، خویشتن‌شناسی اپستین<sup>۴</sup> (۱۹۸۰) و سایرین، برزونسکی هویت را به‌عنوان نظریه خود مفهوم‌سازی کرد، نظریه خودساخته‌ای از خود (برزونسکی، ۱۹۸۸، ۱۹۹۰). وی هویت را به‌عنوان نظریه خود در نظر می‌گیرد، نه یک مدل کاوشگری و این به آن معنا است که افراد نظریه‌ای در مورد خود می‌سازند که ترکیبی از مفروضه‌ها، برداشت‌ها و ساخت‌ها در مورد نحوه سازگاری و مقابله فرد با محیط اجتماعی است (برزونسکی، ۱۹۹۳). برزونسکی (۱۹۹۰) مدلی را مطرح کرد که به تفاوت در فرایندهای شناختی - اجتماعی در ساخت<sup>۵</sup>، نگهداری<sup>۶</sup> و انطباق<sup>۷</sup> هویت افراد تأکید دارد. از این رو، به نظر می‌رسد یکی از متغیرهایی که می‌تواند فهم ما را از چگونگی نحوه مواجهه جوانان در تعارضات هویت مدرن و مذهبی و در نهایت تحلیل ساختار و سازمان یافتگی هویت افزایش دهد، بررسی رابطه سبک‌های هویت و هویت مذهبی و مدرن است. بدین ترتیب، هدف از این پژوهش بررسی نحوه سازمان یافتگی هویت مدرن و مذهبی و رابطه آن با بهزیستی در جوانان دانشجویان تهران است. با توجه به هدف پژوهش، ملاحظات نظری و یافته‌های پژوهشی موجود، سوال‌های پژوهشی حاضر به شرح زیر هستند: ۱- آیا بین هویت مذهبی و مدرن در جوانان رابطه وجود دارد؟ ۲- آیا بین هویت‌های مدرن و مذهبی و سبک‌های هویت رابطه وجود دارد؟ ۳- آیا بین سبک‌های هویت و بهزیستی رابطه وجود دارد؟ آیا بین هویت مدرن و مذهبی و بهزیستی رابطه وجود دارد؟

1. synergy  
 2. Berzonsky, M.D  
 3. Kelly, G. A  
 4. Epstein, S.  
 5. construct  
 6. conserve  
 7. accomodate

## روش

طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی و جامعه آماری پژوهش حاضر دانشجویان دانشگاه تهران بودند. نمونه پژوهش ۳۶۰ دانشجویان از دانشگاه تهران بودند که به شیوه در دسترس و با توجه به ملاک های ورود و خروج انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش عبارت بودند از: یکی از دانشجویان دوره های لیسانس، فوق لیسانس و دکترا بودن و ملاک خروج نیز شامل عدم تجربه دوره سوگ، عدم ابتلا به بیماری های خلقی و اضطرابی بود. پس از اخذ رضایت از دانشجویان ۴۰۰ پرسشنامه تکمیل شد و ۴۰ پرسشنامه ناقص از تحلیل آماری کنار گذاشته شد. ابزار پژوهش

**پرسشنامه هویت مدرن (حاتمی، ۱۳۹۰):** این پرسشنامه شامل ۳۱ سؤال است که توسط حاتمی ساخته شده و برای اولین بار توسط حاتمی مورداستفاده قرار گرفته است (حاتمی، ۱۳۹۰). این پرسشنامه هویت مدرن افراد (پایبندی افراد به سبک زندگی مدرن) را می‌سنجد. این پرسشنامه دارای ۵ خرده مقیاس است، که شامل لیبرالیسم و دموکراسی خواهی، خردگرایی و حذف نیروهای متافیزیکی، گسترش تکنولوژی و ابزارهای ارتباطی مدرن، تجربه‌ی زندگی شهری و جهانی شدن می‌باشد. آزمودنی باید پاسخ‌های خود را در مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت که با کاملاً مخالفم (نمره‌ی یک) شروع شده و با کاملاً موافقم (نمره‌ی شش) ختم می‌شود، علامت‌گذاری کند. روایی و پایایی این مقیاس پس از اجرا روی ۵۴۸ شرکت‌کننده بررسی و تعیین شده است. علاوه بر تحلیل عاملی برای کسب اطمینان از روایی سازه‌ی مقیاس، روش شناخته‌شده محاسبه‌ی پایایی آلفای کرونباخ برای تعیین ضریب پایایی نیز استفاده شده است. و میانگین پایایی برای هر خرده مقیاس محاسبه شده است. آزمون KMO انجام شده است که ضریب به دست آمده در سطحی بالا و کاملاً رضایت‌بخش بوده است (KMO: /736). همچنین آزمون کرویت بارتلت در سطح  $P < 005$  معنادار بود.

**پرسشنامه هویت مذهبی:** این پرسشنامه دارای ۳۲ سؤال برای سنجش هویت مذهبی است. نحوه نمره‌گذاری آن بدین صورت است که در مقابل هر سؤال ۵ گزینه با عناوین «کاملاً موافقم»، «موافقم»، «نظری ندارم»، «مخالفم»، «نظری ندارم» قرار دارد. نحوه محاسبه آن نیز به شکل مقیاس لیکرت است. مقیاس اخیر پس از مطالعه تحلیل عاملی توسط رحیمی نژاد و احمدی (۱۳۷۴) از جهت روایی سازه مورد تأیید قرار گرفته است. یافته‌های مربوط به این مقیاس در پژوهش رحیمی نژاد (۱۳۸۴) نیز تأیید شده است. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس هویت مذهبی ۰/۹۹ به دست آمده است.

**پرسشنامه سبک هویتی:** مقیاس سبک‌های هویت اولین بار توسط برزونسکی (۱۹۸۹) ساخته شده و در سال ۱۹۹۳ تجدیدنظر شد. این مقیاس شامل ۴۰ گویه است که ۱۱ گویه به سبک اطلاعاتی، ۱۰ گویه به سبک مغشوش - اجتنابی، ۹ گویه به سبک هویت هنجاری و ۱۰ گویه به تعهد هویت اختصاص دارد. پاسخ‌ها در یک مقیاس ۵ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری شده می‌شود. برزونسکی (۱۹۹۳) بر اساس تحلیل عامل اکتشافی ۴ عامل را در مقیاس حاضر شناسایی می‌کند که شامل گوی‌های زیر است.

عامل اول (سبک هویت اطلاعاتی)، شامل سؤال‌های ۳۷، ۳۵، ۳۰، ۲۶، ۲۵، ۱۸، ۱۶، ۶، ۵، ۲ است. عامل دوم (سبک هویت هنجاری) شامل سؤال‌های ۴۰، ۳۴، ۳۲، ۲۸، ۲۳، ۲۱، ۱۹، ۱۰، ۴ است. عامل سوم (سبک هویت مغشوش - اجتنابی) شامل سؤال‌های ۳۸، ۳۶، ۳۱، ۲۹، ۲۷، ۲۴، ۱۷، ۱۳، ۸، ۳ و سرانجام عامل چهارم (تعهد هویت) که شامل گوی‌های ۳۹، ۲۲، ۲۰، ۱۴، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۷، ۱ است. در این پژوهش از سه عامل نخست استفاده می‌شود.

برزونسکی (۱۹۹۳) در نسخه تجدیدنظر شده خود ضریب همسانی درونی هر یک از خرده مقیاس‌های سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری، و مغشوش - اجتنابی را به ترتیب برابر با ۰/۶۲، ۰/۶۶ و ۰/۷۳ گزارش کرده است. در پژوهش ربانی زاده (۱۳۸۹)، آلفای کرونباخ را برای هویت اطلاعاتی، هنجاری و مغشوش - اجتنابی به ترتیب، ۰/۷۸، ۰/۷۹ و ۰/۷۰ به دست آمده است.

**پرسشنامه‌ی بهزیستی ذهنی:** این پرسشنامه شامل پنج سؤال است که قضاوت شناختی فرد از میزان رضایت وی از زندگی را می‌سنجد (دنیر و همکاران<sup>۱</sup>، ۱۹۸۵). این پرسشنامه برای اولین بار توسط دنیر ساخته شده و مورد استفاده قرار گرفته است (دنیر، ۱۹۸۵). آزمودنی باید پاسخ‌های خود را در مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت که با بسیار مخالف (نمره‌ی یک) شروع شده و با بسیار موافق (نمره‌ی پنج) ختم می‌شود، علامت‌گذاری کند. نمرات این آزمون ارتباط معناداری با نمرات افراد در مقیاس‌های دیگر بهزیستی ذهنی دارد و به‌طور پیش‌بینی کننده‌ای با ویژگی‌های شخصی خاصی ارتباط دارد (دنیر، ۱۹۸۵). همچنین این مقیاس برای گروه‌های مختلف سنی مناسب است (دنیر، ۱۹۸۵). این ابزار دارای اعتبار و روایی (روایی همگرا) بالایی است (پاووت<sup>۲</sup> و دنیر، ۱۹۹۳). برای تعیین پایایی این مقیاس از آلفای کرونباخ استفاده شده است که ۰/۸۵ بود. ( $M=2/05, SD=0/39$ ).

## یافته‌ها

از مجموع ۳۶۰ دانشجوی، ۱۸۰ نفر دختر (۵۰ درصد) و ۱۸۰ نفر (۵۰ درصد) پسر بودند. ۲۰۶ نفر در مقطع کارشناسی (۵۷/۲)، ۱۲۴ نفر در مقطع کارشناسی ارشد (۳۴/۴) و ۳۰ نفر در مقطع دکترا (۸/۳) قرار داشتند. جدول شماره ۱ شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین	بیشترین	تعداد
هویت مدرن	۱۰۳/۱۷	۱۲/۳۲	۶۴	۱۴۳	۳۶۰
هویت مذهبی	۱۰۰/۰۶	۲۹/۲۹	۳۲	۱۵۹	۳۶۰
هویت اطلاعاتی	۳۶/۰۴	۶/۰۶	۱۷	۴۵	۳۶۰
هویت هنجاری	۲۸/۵۵	۵/۳۵	۱۲	۴۴	۳۶۰
هویت اجتنابی	۲۶/۸۰	۶/۰۰	۱۱	۴۳	۳۶۰
بهزیستی	۱۶/۰۳	۴/۵۸	۵	۲۹	۳۶۰

جدول شماره ۲ ضریب همبستگی پیرسون هویت مدرن و هویت مذهبی را نشان می‌دهد. رابطه هویت مدرن و هویت مذهبی با ضریب همبستگی ۰/۵۵- در سطح ۰/۰۱، معنی‌دار است و با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت هر چه هویت مذهبی بالاتر باشد، هویت مدرن پایین‌تر خواهد بود و برعکس.

1. Diener, E. D., & et al

2. Pavot, W

بررسی نحوه سازمان یافتگی هویت مدرن و مذهبی و رابطه آن با بهزیستی...

جدول ۲- ضریب همبستگی رابطه بین هویت مذهبی و هویت مدرن

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
هویت مدرن - هویت مذهبی	-۰/۵۵	۰/۰۱

جدول شماره ۳ ماتریس ضرایب همبستگی رابطه بین سبک های هویت و سبک های پردازش اطلاعات را نشان می دهد. همان طور که در این جدول نشان داده شده است، هویت مدرن و هویت اطلاعاتی در سطح ۰/۰۵، هویت مدرن و تعهد هویت نیز در سطح ۰/۰۵ رابطه مثبت معنی دار دارند، در واقع هر چه هویت مدرن بالاتر باشد، هویت اطلاعاتی و تعهد هویت فرد نیز بالاتری خواهد داشت. هویت مذهبی و هویت هنجاری در سطح ۰/۰۱ و هویت مذهبی و تعهد هویت نیز در سطح ۰/۰۱ رابطه مثبت معنی دار دارند و در واقع هر چه هویت مذهبی بالاتر باشد، نمره فرد در هویت هنجاری و تعهد هویت بالاتر خواهد بود. همان طور که نشان داده شده است، سایر متغیرها باهم فاقد رابطه معنی دار می باشند.

جدول ۳- ماتریس ضرایب همبستگی رابطه بین هویت (مذهبی/مدرن) و سبک های هویت

متغیر	هویت اطلاعاتی	هنجاری	اجتنابی	تعهد هویت
هویت مدرن	۰/۱۳*	-۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۱۱*
هویت مذهبی	۰/۰۷	۰/۳۰**	۰/۰۴	۰/۱۷**

جدول شماره ۴ ضریب همبستگی رابطه بین سبک های هویت و بهزیستی را نشان می دهد. همان طور که در جدول ۴ نشان داده شده است، بهزیستی با هویت هنجاری و تعهد هویت در سطح ۰/۰۱ دارای رابطه مثبت معنی دار می باشد و با هویت اطلاعاتی و اجتنابی فاقد رابطه معنی دار است.

جدول ۴- ضریب همبستگی رابطه بین سبک های هویت و بهزیستی

متغیر	اطلاعاتی	هنجاری	اجتنابی	تعهد هویت
بهزیستی	۰/۰۴	۰/۲۳**	۰/۰۲	۰/۲۷**

جدول شماره ۵ ضریب همبستگی رابطه بین سبک های هویت و بهزیستی را نشان می دهد. همان طور که در جدول ۵ نشان داده شده است، بهزیستی با هویت مدرن و هویت مذهبی فاقد رابطه معنی دار می باشد.

جدول ۵- ضریب همبستگی رابطه بین هویت (مدرن/مذهبی) و بهزیستی

متغیر	هویت مدرن	هویت مذهبی
بهزیستی	۰/۰۳	۰/۰۷



## بحث و نتیجه گیری

نتایج به دست آمده در مورد سوال اول نشان داد که هویت مدرن و هویت مذهبی رابطه به شدت منفی با یکدیگر دارند. در واقع می توان گفت هر چه هویت مذهبی بالاتر باشد، هویت مدرن پایین تر خواهد بود. تحقیق موسوی (۱۳۸۸) نشان داد با افزایش جهت گیری علمی، جهت گیری تساوی طلبانه، جهت گیری استقلال طلبانه و جهت گیری دموکراتیک دختران جوان، اعتقادات دینی ایشان کاهش می یابد. تحقیق صالح آبادی (۱۳۸۹) نشان داد رابطه معنادار معکوس و منفی بین میزان دین داری، بعد اعتقادی، بعد مناسکی و بعد شرعی دین داری با نگرش به دموکراسی و رابطه مثبت و مستقیم بین بعد پیامدی دین داری و نگرش به دموکراسی وجود دارد. نتایج تحقیق کلانتری، عزیزی و زاهد زاهدانی (۱۳۸۸) نشان داده است که هیچ گونه رابطه ای بین هویت دینی و نگرش مثبت به غرب در میان جوانان وجود ندارد. پژوهش باباصفری (۱۳۹۱) نیز حاکی از آن است که نوسازی (سبک زندگی مدرن) با دین داری رابطه معکوس دارد. نتایج پژوهش حاتمی (۱۳۹۰) حاکی از همبستگی منفی بین هویت دینی و هویت مدرن در سطح آشکار حافظه است. مطالعه کمیجانی (۱۳۹۲) نیز نشان می دهد که همبستگی منفی قوی ای بین تمامی ابعاد هویت دینی به جز بعد عواطف دینی با هویت مدرن وجود دارد که نشان دهنده تضاد ابعاد باور، وظایف و جهت گیری سکولاریستی با هویت مدرن است.

نتیجه این تحقیق در کنار تحقیقات پیشین مؤید آن است که مؤلفه های هویت دینی و مدرن در جوان ایرانی دارای نوعی قرابت قرینی است. بدین معنا که جوان ایرانی با هنگام نزدیک شدن به مدرنیته یک گام از هویت دینی فاصله می گیرد. البته بایستی در نظر داشت که قضاوت در سطح محتوا، بایستی اندکی با احتیاط صورت گیرد؛ چراکه رویکرد ما به مدرنیته و هویت می تواند بسیار تأثیرگذار باشد. برای مثال ملکبان (۱۳۸۵) معتقد است اینکه آیا دین داری و تجدد باهم رابطه مساعدت آمیز دارند یا تعارض آمیز، باهم سازگارند یا ناسازگار همگی بستگی به معنای مدنظر ما از مدرنیته دارد.

صرف نظر از محتوای هویت دینی و مدرن، چنانچه به هویت دینی و هویت مدرن به عنوان یک سبک زندگی نیز نگاه کنیم، می توان در نظر گرفت که سبک زندگی هویت مدرن و سبک زندگی هویت دینی در جوانان ایرانی قرابت قرینی دارد. برای تمایز بین محتوا و سبک زندگی می توان به تقسیم بندی سروش (۱۳۸۳) ارجاع کرد. سروش معتقد به دو نوع اسلام است: اسلام هویت و اسلام حقیقت. منظور از اسلام هویت این است که گاهی انسان ها صرفاً دینی را برمی گیرند تا به هویتی برسند و از این طریق زندگی کنند. در واقع برای حل بحران هویت خود و رسیدن به هویتی مشخص، دینی را انتخاب می کنند و بدان ملزم می شوند. در واقع دین در اینجا واجد نقشی است شبیه به عنصرهای هویت ساز دیگر مثل نژاد، ملیت و زبان. در این نوع از اسلام آوری تا حد زیادی نگاه محتوایی به دین از بین می رود و بیشتر صرف ظواهر و فایده های می شود که دین به هویت آدمی می بخشد (سروش، ۱۳۸۳). در این نگرش هویت مدرن و یا هویت دینی تفاوتی با یکدیگر ندارند. بلکه سبک زندگی به عنوان عنصر تأثیرگذار، نوع هویت را تحت تأثیر قرار می دهد. به بیانی دیگر هرچه هویت در بعدی غنی تر و برجسته تر باشد، فرد خود را بر اساس آن تعریف می کند. بنابراین میزان بستگی ما به هویت مبتنی بر موقعیت است. یک سبک زندگی خاص، منجر به تجربه موقعیت های ویژه و خاص می شود و بدین صورت بر الگوی هویت فرد تأثیر می گذارد. برای مثال مطالعه لطف آبادی و نوروزی (۱۳۸۳) نشان می دهد دانش آموزان متعلق به طبقه فرهنگی پایین و متوسط

بادانش آموزان متعلق به طبقه بالای فرهنگی در پذیرش جهانی‌سازی تفاوت معنادار دارند و یا تحقیق باباصفری (۱۳۹۱) نشان‌دهنده رابطه مثبت معنادار بین هویت مدرن و وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده است.

اما به توجه به اصل‌هایی که باکوبزا (۲۰۰۷) بیان می‌کند چگونه می‌تواند به این رابطه نگریست. یکی از شش اصلی که باکوبزا بیان می‌کند اصل سازگاری-ناسازگاری است. این اصل نشان‌دهنده انسجام و وحدت در نظام دانش است. یک نظام منسجم و سازگار از تنش و تضاد ناشی از تناقضات درونی و بیرونی آزاد و رها است. در صورتی که یک معرفت ناسازگار وجود دو قانون متضاد در میان بخش‌ها و یا در میان روابط را تشویق می‌کند و یا با آن مخالفت نمی‌کند. رابطه منفی هویت مذهبی و مدرن، آن‌هم در سطح ۰.۱. نشان‌دهنده انسجام موجود میان مؤلفه‌های این هویت‌ها است که اجازه همگرایی با یکدیگر را ناممکن کرده است. در واقع می‌توان گفت هر دو هویت مدرن و مذهبی دارای سازگاری هستند.

در مورد سوال دوم، نتایج به‌دست‌آمده در این بخش نشان داد که هویت مدرن و هویت اطلاعاتی رابطه مثبت معنی‌داری با یکدیگر دارند. در واقع هر چه هویت مدرن بالاتر باشد، هویت اطلاعاتی نیز نمره بالاتری خواهد داشت. هویت مذهبی و هویت هنجاری نیز رابطه مثبت معنی‌دار دارند و در واقع هر چه هویت مذهبی بالاتر باشد، نمره فرد در هویت هنجاری بالاتر خواهد بود. مطالعه برزونسکی، سیسیوچ<sup>۱</sup>، دوئیرز<sup>۲</sup> و سوئنسن<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که سبک پردازش اطلاعاتی با ارزش‌هایی که بر تغییر تأکید دارند، مرتبط است و همان‌طور که قابل پیش‌بینی است، سبک پردازش هنجاری باثبات، سنت، تعهد، نظم و محافظه‌کاری در ارتباط است. افرادی که سبک پردازش هویت هنجاری دارند به‌شدت متعهد، باوجدان و دارای اصول شخصی اما به شکلی سفت و تغییرناپذیر هستند و همچنین به ساختار احساس نیاز می‌کنند. مطالعه دوئیرز و سوئنسن (۲۰۰۶) نشان می‌دهد افرادی که از سبک هویت هنجاری استفاده می‌کنند مذهبی‌تر هستند، حداقل در محیط‌هایی که سنت‌های مذهبی قدرتمندی دارند. اما تحقیقات در ایران در مورد رابطه سبک‌های هویتی برزونسکی و هویت مذهبی بسیار محدود است و بیشتر این مطالعات به بررسی رابطه دین‌داری با پایگاه‌های هویتی پرداخته‌اند. مطالعه مغانلو، وفایی و شهرآرای (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که بیشتر متغیرهای دین‌داری با هویت اطلاعاتی و هنجاری رابطه مثبت و با هویت سردرگم/اجتنابی رابطه معکوس دارد. نتایج مطالعه دهستانی، زاده محمدی و محمدی (۱۳۹۱) نشان داد که سبک‌های هویتی موفق و زود شکل‌گرفته با تمامی ابعاد دین‌داری ارتباط مثبت دارند و سبک هویتی به تعویق افتاده نیز با تمامی ابعاد دین‌داری ارتباط منفی داشت. همچنین تحقیق دهستانی، زاده محمدی و محمدی (۱۳۹۱) نشان می‌دهد افرادی که سبک‌های هویت یافته و دنباله‌رو دارند، تعهد بیشتری به باورهای مذهبی دارند.

بررسی ویژگی‌های هویت دینی و مدرن می‌تواند، توجیه‌کننده این رابطه باشد. برگر، برگر و کلنر<sup>۴</sup> (۱۹۷۴) چهار ویژگی متمایز هویت مدرن را برمی‌شمارند که دو مورد آن با این مسئله در ارتباط است: ۱- هویت مدرن به‌طور ویژه‌ای باز است. تحلیل برگر و همکارانش بر ویژگی سیالی و گذرایی هویت مدرن اشاره می‌کند. ۲- هویت مدرن به‌طور ویژه‌ای بازتابی است. ازهم‌گسیختگی زندگی مدرن تحلیل مداوم و باز تحلیل الزامی را ارائه می‌دهد. این بازتاب تنها شامل جهان بیرون نمی‌شود بلکه خود را نیز در برمی‌گیرد، جایی که خود در آن موضوع

1. Ciecuch, J

2. Duriez, C

3. Soenens, B

4. Berger, P., Berger, B. and Kellner, H

تعمدی توجه و در برخی از مواقع موشکافی اضطراب‌انگیز می‌شود. سبک زندگی مدرن ماهیتاً دنباله‌روی در هر چیزی را مذمت کرده و انسان‌ها را به خردگرایی و عقل‌گرایی، شک و نگاه نقادانه، تحلیلی‌تر و عمیق‌تر به امور سوق می‌دهد. پرسش‌گری یکی از مهم‌ترین خصایصی است که در عصر مدرن برای انسان‌ها ایجاد گشته است. از سویی از ویژگی‌های سبک پردازش اطلاعاتی، می‌توان به جستجو و ارزیابی فعالانه ارتباطات، تردید نسبت به سازه‌های مربوط به خود و تمایل به بررسی و اصلاح اشاره کرد (برزونسکی، ۲۰۰۴).

در تبیین سوی دیگر این رابطه می‌توان بیان داشت یکی از ویژگی‌های مهم هویت دینی، تعبد است. برای مثال ملکیان (۱۳۸۵) بیان می‌کند که دین‌داری بدون تعبد، یعنی بدون پذیرش بی‌چون‌وچرای گزاره‌های دینی، امکان‌پذیر نیست. کسی بودائی است که هیچ‌گونه چون‌وچرایی در سخنان بودا ندارد. و نه تنها چون‌وچرا ندارد، بلکه اساساً همه‌ی نزاع‌های دیگر را هم با رجوع به سخن بودا فیصله می‌دهد. وی همه نفی و اثبات‌ها، رد و قبول‌ها، تضعیف و تقویت‌ها و جرح‌وتعدیل‌های دیگر را نیز بر اساس سخن بودا انجام می‌دهد. درواقع تعهد و ثابت‌قدمی از ویژگی‌های فرد دین‌دار است که با ویژگی سبک پردازش هویت هنجاری همخوانی بسیاری دارد.

می‌توان از طریق یکی دیگر از اصل‌هایی که باکوبزا (۲۰۰۷) بیان می‌کند، یعنی اصل ثبات-پویایی به این رابطه نگریست. این اصل نشان‌دهنده میزان ثبات و پایداری در نظام دانش است. این معرفت این پرسش را ایجاد می‌کند که آیا دستگامی مانند «خود»، یک وجود یا یک موجود یا یک فرایند و یا یک فعالیت است (کگان، ۱۹۸۲). یک معرفت ثابت مانند وجود و یک جوهر می‌ماند که همواره وضعیتی ثابت دارد: نه بازتاب چیزی است و نه تحول می‌یابد. رابطه بین نشانه‌های مختلف این معرفت ایستا و متداوم است. شخصی که معرفت ثابت را نشان می‌دهد بسیار اندک تحت تأثیر شرایط و ادراکات قرار می‌گیرد و بدین شکل تغییر در هویت وی صورت نمی‌پذیرد. از آنجاکه هویت مدرن باز و بازتابی و مبتنی بر اندیشه انتقادی است، از اصل پویایی تبعیت می‌کند. یکی از ویژگی‌های مدرنیته، مدام تازه شدن و خود را نقد کردن و به قلمرو تازگی‌ها گام نهادن است.

اما در مورد هویت مذهبی، چه می‌توان گفت. از ویژگی‌های مهم ادیان مهم تاریخ، تأکید آن‌ها بر اصول‌گرایی و اطلاق‌گرایی است (شجاعی زند، ۱۳۸۶). چنانچه این اصول را به مسئله تعبد اضافه کنیم می‌توان چنین برداشت کرد، که در هویت مذهبی پویایی کمتری وجود دارد. درواقع زمانی که فرد به حقانیت و مطلق بودن یک باور ایمان دارد، هر چیزی با محک آن رد یا قبول می‌شود و در نتیجه راه برای اندیشه انتقادی کاهش می‌دهد. البته این برداشت به این معنا نیست که در دین‌داری و هویت مذهبی پویایی وجود ندارد. بلکه همان‌طور که اشاره شد، پویایی در دین‌داری می‌تواند، ناشی از سبک پردازش فرد باشد. برای مثال افرادی که مذهبی هستند و سبک پردازش هویت اطلاعاتی دارند، مذهب را در سطح نمادین پردازش می‌کنند، درواقع دین‌داری عمیقی دارند (مغانلو و همکاران، ۱۳۸۸).

شاید بحث در مورد اصل حفاظت- دگردیسی راهگشا تر باشد. این اصل نشان‌دهنده میزان تغییرناپذیری در نظام دانش است. حفاظت از شکل در معرفت بدین معنا است که ساختار آن نه‌تنها در طول حرکت زمان و وقایع تغییر نمی‌کند بلکه به‌طور مداوم یکسان می‌ماند. هویتی که دارای سفتی است و تحت تأثیر فرایندهای تغییر، انطباق و باز سازمان‌دهی قرار نمی‌گیرد. تا زمانی که ظهور و بروز هویت همچنان یکسان بماند، مسئله تداوم خود همچنان در حاشیه امن خواهد ماند. این اصل با اصل ثبات- پویایی قرابت دارد اما این دو قانون یکسان نیستند. این

<sup>1</sup> . Kegan, R

قانون بر میزان تغییر در نظام دانش تأکید دارد که یک قطب آن نشان‌دهنده یک ساختار متداوماً یکسان است و دیگر قطب آن نشان‌دهنده ساختاری است که هرگز در مقابل بازسازی و دگردیسی ایستادگی ندارد. اما اصل ثبات-پویایی از سکون در برابر حرکت صحبت می‌کند. یکی از دیگر ویژگی‌هایی که شجاعی زند (۱۳۸۶) برای ادیان تاریخی برمی‌شمرد، تمامیت‌خواهی است. فرد دین‌دار، حتی اگر یک گزینه را انکار و یا آن را در منظومه فکری خود خنثی و کان لم یکن تلقی کند از دایره دین‌داران خارج خواهد شد. به تعبیر قرآن «نومن ببعض و نکفر ببعض» دین‌داری به حساب نمی‌آید. به عقیده وی در دین‌داری یک حالت همه‌یاهیچ وجود دارد. دین‌دار یعنی: من تسلیمم و ان‌الدین عندالله الاسلام. در واقع ساختار هویت مذهبی حفاظت دارد اما می‌تواند بنابر ویژگی‌های فردی، پویایی نیز داشته باشد. برای مثال، سروش (۱۳۸۱) از سه نوع دین‌داری صحبت می‌کند: دین‌داری معیشت‌اندیش، دین‌داری معرفت‌اندیش و دین‌داری تجربت‌اندیش. از نظر وی، دین‌داری معرفت‌اندیش و تجربت‌اندیش به نسبت دین‌داری معیشت‌اندیش که از رایج‌ترین انواع دین‌داری در همه‌ی جوامع و در تمامی ادوار تاریخی دین است، بسیار پویاتر است.

اما در مورد هویت مدرن چه می‌توان گفت؟! به نظر می‌رسد هویت مدرن نیز حفاظت‌کننده است. گرچه برگر و همکارن (۱۹۷۴) سخن از سیالی و گذاری هویت مدرن به میان می‌آورند و اگرچه، اندیشه انتقادی به‌عنوان یکی از ارکان هویت مدرن، بر ویران‌سازی تأکید دارد، اما نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد این گذرایی و ویران‌سازی بیشتر ناظر به پویایی است تا دگردیسی.

نتایج به‌دست‌آمده در مورد سوال سوم نشان داد که بهزیستی با هویت هنجاری و تعهد هویت‌داری رابطه مثبت معنی‌دار است و با هویت اطلاعاتی و اجتنابی فاقد رابطه معنی‌دار است. بیشتر تحقیقات گذشته نشان‌دهنده رابطه معتدل سبک‌های پردازش هویت و بهزیستی هستند. چندین تحقیق ارتباط میان سبک‌های هویت و شاخص‌های مختلف بهزیستی را اثبات کرده‌اند. بخصوص تحقیقات گذشته ارتباط عکس بین جهت‌گیری سردرگم اجتنابی و بهزیستی روان‌شناختی را نشان می‌دهند. برای مثال در تحقیقی که بر روی دانشجویان کالج انجام شده است مشخص گردیده که دارندگان سبک هویت سردرگم اجتنابی به سطح بالاتری از نشانه‌شناسی افسردگی ارتباط دارد (نرمی<sup>۱</sup> و برزونسکی، تامی<sup>۲</sup> و کینی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۷).

سبک هویت هنجاری با بهزیستی روان‌شناختی ارتباط مثبت دارند زیرا این سبک منجر به ایجاد تعهد می‌گردد (ولیوراس و بوسما<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵). سبک‌های هویت هنجاری و اطلاعاتی پیشگویان موضوع خاصی در مورد رشد شخصی هستند. با این معنا که هرچه امتیاز در سبک هویت اطلاعاتی بالاتر برود، امتیاز در سبک هنجاری کمتر می‌شود و امتیاز در رشد شخصی بالاتر می‌رود (ولیوراس و بوسما، ۲۰۰۵). نوجوانان با سبک هویت سردرگم اجتنابی سطوح پایین‌تری از بهزیستی را تجربه می‌کنند و کمتر از نوجوانان دارای سبک‌های هویت هنجاری و اطلاعاتی امیدوارند (فیلیپس و پیت من<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷).

1. Nurmi, J.E.

2. Tammi, K

3. Kinney, A

4. Vleioras, G & Bosma, A.H

5. Phillips, T.M., & Pittman J.F

مهم‌ترین پژوهشی که در ایران به بررسی رابطه سبک‌های هویت و بهزیستی پرداخته است، مطالعه سیاهپوش (۱۳۸۶) است. سیاهپوش (۱۳۸۶) در تحقیق خود با عنوان رابطه سبک‌های هویتی و بهزیستی روان‌شناختی در دانشجویان نشان می‌دهد که بین سبک هویت اطلاعاتی و مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی، به‌جز خرده مقیاس ارتباط مثبت با دیگران، رابطه‌ی معنادار مثبت وجود دارد. از سویی این تحقیق بیانگر وجود همبستگی منفی معنی‌دار بین سبک هویت سردرگم اجتنابی و مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی به‌جز خرده مقیاس ارتباط مثبت با دیگران، است و همچنین همبستگی بین سبک هویت هنجاری و کلیه مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی به‌استثنای خرده مقیاس خویشتن‌پذیری معنادار و مثبت است. مطالعه غضنفری (۱۳۸۲) نیز با بررسی رابطه‌ی سبک هویت دانش‌آموزان با سلامت روانی آنان به این نتایج رسید که: بین سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری و میزان سلامت روان رابطه‌ی مثبت معنی‌دار و بین سبک هویت سردرگم/اجتنابی و سلامت روانی رابطه‌ی منفی معنی‌دار وجود دارد.

در تبیین ارتباط هویت هنجاری با بهزیستی می‌توان بیان کرد که تحقیقات برمن، شوارتس، کورتینز و برمن<sup>۱</sup> (۲۰۰۱)، نشان داده است که دارندگان سبک هویت هنجاری تمایلات معنوی بالایی دارند. لذا این‌گونه افراد از لحاظ روانی احساس امنیت می‌کنند و همواره قدرتی مافوق و برتر را حامی خود و یاری‌دهنده در حل مشکلاتشان می‌دانند. دنیو و کوپر<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) نیز نشان دادند که مسئولیت‌پذیری که از مشخصه‌های دارندگان سبک هویت هنجاری است عاملی مهم برای پیش‌بینی رضایت‌مندی در زندگی است. این عامل می‌تواند بیانگر هیجان مثبت، همدردی، شادی، امیدواری، غرور، دوری از استرس و ترس باشد.

بر اساس تحقیقات شوارتس، مولیس<sup>۳</sup>، واترمن<sup>۴</sup> و دانهام<sup>۵</sup> (۲۰۰۰)، سبک هویت هنجاری ارائه‌گر رشد از طریق مواجهه با انتظارات اجتماعی و درجه‌ی بالای تعهد و قضاوت است. تحقیقات برزونسکی (۲۰۰۳) نشان داده‌اند که افراد با سبک هویت هنجاری به دلیل نیل به تعهد، افرادی وظیفه‌شناس و مسئولیت‌پذیرند و در انجام وظایف خود دچار تعارض نمی‌شوند؛ با این حال، آن‌ها انعطاف‌پذیر و خلاق و منشأ تحول‌نیستند.

نتیجه این مطالعه با مطالعات پیشین در مورد رابطه سبک‌های اطلاعاتی با بهزیستی همسو نیست. برای مثال همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد سیاهپوش (۱۳۸۶) در تحقیق خود نشان داد که بین سبک هویت اطلاعاتی و بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت وجود دارد. شاید بتوان بیان داشت که افراد سبک هنجاری گرایش خاصی به ساختار دارند و خود را از دل همانندسازی با مراجع اصلی همانندسازی مانند مذهب تعریف می‌کنند. اما افرادی که هویت اطلاعاتی دارند، درباره سازه‌های مربوط به خود مرده هستند. پذیرای اطلاعات جدید هستند و هنگامی که با بازخوردی مبنی بر نابهنجاری بودن عملکردشان در محیط مواجه شوند، تمایل دارند جنبه‌هایی از هویتشان را بررسی و اصلاح کنند (برزونسکی، ۲۰۰۴). در واقع این پویایی باعث می‌شود نسبت به شرایط حال زندگی خود احساس بسندگی نکنند، در ایدئال‌های خود تجدیدنظر کنند و مدام سعی در اصلاح آنچه مغایر با سازه‌های شخصی آن‌ها است برآیند. از سویی ایده آل‌های سبک پردازش هویت اطلاعاتی شخصی و نسبی است،

1. Berman, A. M., Schwartz, S. J., Kurtines, W. M., & Berman, S. L

2. DeNeve, K. M., & Cooper, H

3. Mullis, R

4. Waterman, A.S

5. Dunham, R.M

در نتیجه اگر به چنین فردی اجازه دوباره زیستن داده شود، به احتمال زیاد چیزهای زیادی از زندگی خود را تغییر دهد. در نتیجه به نظر می‌رسد تأکید خاص بر رضایت از زندگی به عنوان تنها عامل بهزیستی روش مناسبی برای بررسی افراد اطلاعاتی نباشد. در واقع به نظر می‌رسد که عوامل بسیار دیگری چون شادی و خوش‌بینی، رشد و بالندگی فردی، خویشتن پذیری وجود دارد که بر بهزیستی یک فرد اطلاعاتی تأثیر می‌گذارد که در پرسشنامه بهزیستی مورد استفاده در این پژوهش مدنظر قرار نگرفته است.

نتایج به دست آمده در مورد سوال چهارم نشان داد که بهزیستی با هویت مدرن و هویت مذهبی فاقد رابطه معنی‌دار است. بیشتر مطالعات قبلی نیز نشان داده‌اند که بین دین‌داری و سلامت روان رابطه مثبت وجود دارد. راهبردهای متفاوتی برای ارتباط میان دیدگاه مذهبی و بهزیستی ارائه شده است اما اکثر این تحقیقات بر تأثیر دین‌داری و گرایش‌های مذهبی بر احساس امنیت و خوش‌بینی و راهبردهای مقابله‌ای سازگارانه در افراد مذهبی تأکید دارند و از این طریق بهزیستی و سلامت روانی را در این افراد توجیه می‌کنند (برای مثال، جعفری، ۱۳۸۶؛ تحقیق میرکوهی، ۱۳۸۹؛ محقق، محقق و یعقوبی، ۱۳۸۹؛ نتایج تحقیق لشنی، شعیری و احمدی مقدم، ۱۳۸۹؛ معینی کیا و زاهد بابلان، ۱۳۸۹؛ منیرپور و خوسفی، ۱۳۸۹).

غریب به اتفاق تحقیقات نشان‌دهنده رابطه مثبت با گرایش‌های دینی است اما در این مطالعه این رابطه نشان داده نشد. می‌توان بیان کرد هویت مدرن و مذهبی به خودی خود با بهزیستی رابطه ندارد بلکه سبک پردازش هویتی است که برای بهزیستی افراد اهمیت دارد. همان‌طور که در سؤال چهارم نشان دادیم در میان سبک‌های پردازش هویتی، سبک پردازش هنجاری است که با بهزیستی رابطه دارد. محتوای هویت، باورهایی است در مورد چگونه رفتار کردن اما سبک‌های پردازش اطلاعات، اشاره به راهبردهایی دارد که افراد برای حل مسائل، تضادها و اطلاعات مربوط به هویت خود در پیش می‌گیرند. به نظر می‌رسد در جهان لایه‌لایه و ناهمگون جدید، این رویکرد محافظه‌کارانه است که باعث بهزیستی می‌شود و نه محتوای هویت.

## بحث

اگرچه به نظر می‌رسد تعریفی جامع و مانع از خود وجود ندارد و یا آنکه یک رویکرد فرهنگی توانایی تعمیم به دیگر فرهنگ‌ها را ندارد، اما ضرورتاً به معنای آن نیست که در بین افراد جوامع مختلف مشترکات روانشناختی در سطح خود وجود ندارد. اما آنچه بیان داشتیم به چه معنا است؟ شاید به بتوان به این موضوع اشاره کرد که مدل‌های مختلف خود نیاز به پیچیدگی و تمایز یافتگی بیشتری دارند و بایستی فرضیات ترکیبی حساس موجود در تحقیقات بین فرهنگی و درون فرهنگی را مدنظر قرارداد و با نظریه پردازای‌های رایج در آمیخت (باکوبزا، ۲۰۰۶). به نظر می‌رسد تغییر و تحولات هویتی نسل جوان در سطح محتوا و نه ساختار صورت گرفته است. این مطالعه نشان می‌دهد واکنش جوانان در برابر حضور هویت مدرن متفاوت است. برخی آن را پذیرفته‌اند و برخی با آن مخالف‌اند. آن‌هایی که مدرن هستند و آن‌هایی که مذهبی هستند هر دو سازمانی یگانه، سازگار و متحدالمرکز دارند.

## منابع

احمدی، بابک. (۱۳۸۰). مدرنیته و اندیشه انتقادی. تهران، انتشارات مرکز.

- افتخارزاده، محمود رضا (۱۳۷۷). *اسلام و ایران*. تهران، انتشارات قلم.
- باباصفری، (۱۳۹۰). *بررسی رابطه نوسازی و تغییر نگرش‌ها و رفتارهای دینی جوانان شهر و روستاهای سنندج*: پایان‌نامه کارشناسی ارشد از دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- بروجردی، مهرداد. (۱۳۷۹). *فرهنگ و هویت ایرانی در فراسوی مرز، فصلنامه مطالعات ملی*. شماره ۵، سال دوم، پاییز ۷۹.
- جعفری، اصغر. (۱۳۸۶). *رابطه‌ی بین کارایی خانواده و دین‌داری و سلامت روان و مقایسه آن بین دانشجویان دختر و پسر. پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره)*. تابستان ۱۳۸۶؛ ۶(۲۲): ۱۰۷-۱۱۵.
- حاتمی، جواد. (۱۳۸۸). *خوب‌ستن*. تهران، نشر تبلور.
- حاتمی، امیرجلال. (۱۳۹۰). *بررسی هویت ملی، مذهبی و مدرن در دو سطح آشکار و ضمنی*: پایان‌نامه کارشناسی ارشد از دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- حافظ نیا، محمدرضا؛ کاویانی راد، مراد؛ کریمی پور، یدالله و طاهری خانی، مهدی. (۱۳۸۵). *تأثیر جهانی‌شدن بر هویت، مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه‌های دولتی دانشگاه تهران*. *فصلنامه ژئوپلیتیک*. شماره سوم و چهارم زمستان ۱۳۸۵، ۲۱-۱.
- دهستانی، مهدی؛ زاده محمدی، علی و محمدی، سمیه. (۱۳۹۱). *بررسی میزان دین‌داری و ارتباط آن با سبک‌های هویت دانشجویان*. *نشریه علوم رفتاری*. ۲۰، ۱۷۱-۱۸۰.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۸۳). *رازدانی، روشنفکری و دین‌داری*. تهران، انتشارات موسسه فرهنگی صراط.
- سیاهپوش (۱۳۸۶). *رابطه سبک‌های هویتی و بهزیستی روانشناختی در دانشجویان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد از دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- شجاعی زند، علیرضا. (۱۳۸۶). *بررسی امکان همزیستی دین و مدرنیته*. *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۰.
- صالح‌آبادی، ابراهیم. (۱۳۹۰). *بررسی رابطه بین میزان دین‌داری و نگرش به دموکراسی در بین شهروندان نیشابوری*. *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*؛ ۲(۲): ۹۵-۱۱۸.
- غضنفری، احمد (۱۳۸۲). *بررسی تأثیر هویت و راهبردهای مقابله‌ای بر سلامت روانی دانش‌آموزان دبیرستان و پیش‌دانشگاهی شهر اصفهان، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی*، رساله دکتری.
- قمری، داریوش. (۱۳۸۴). *همبستگی ملی در ایران*. تهران، انتشارات تمدن ایرانی.
- کلانتری، عبدالحسین؛ عزیزی، جلیل و زاهد زاهدانی، سید سعید. (۱۳۸۸). *هویت دینی و جوانان*. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ۶، ۱۲۵-۱۴۱.
- کمیجانی، امیرحسین. (۱۳۹۲). *بررسی مقایسه‌ای رابطه‌ی سبک زندگی مدرن با هویت دینی، سازمان‌یافتگی هویت و بهزیستی ذهنی در دو گروه جوانان و والدین با تعارض بالا و پایین*: پایان‌نامه کارشناسی ارشد از دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- لشنی، زینب؛ شعیری، محمدرضا و اصغری مقدم، محمدعلی (۱۳۸۹). *رابطه شکرگزاری با عاطفه مثبت و منفی، شادکامی و خوش‌بینی دانشجویان*. ارائه‌شده در پنجمین سمینار بهداشت روانی دانشجویان. تهران: دانشگاه ایران، اردیبهشت ۱۳۸۹.

- محقق، حسین؛ محقق، نسرين و یعقوبی، ابوالقاسم (۱۳۸۹). رابطه التزام عملی آموزه‌های اسلامی با بهداشت روانی دانشجویان علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینای همدان. ارائه‌شده در پنجمین سمینار بهداشت روانی دانشجویان. تهران: دانشگاه ایران، اردیبهشت، ۱۳۸۹.
- معینی کیا، مهدی و زاهد بابلان، عادل (۱۳۸۹). رابطه بین کیفیت زندگی و تعالی معنوی با سلامت عمومی دانشجویان ارائه‌شده در پنجمین سمینار بهداشت روانی دانشجویان. تهران: دانشگاه ایران، اردیبهشت ۱۳۸۹.
- مغانلو، مهناز؛ آگیلار-وفایی، مریم؛ شهرآرای، مهر ناز. (۱۳۸۸). رابطه سبک‌های هویت و دین‌داری در دانشجویان. فصلنامه روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران. ۵۹، ۳۷۷-۳۸۷.
- مرتضوی، شهرناز. (۱۳۸۶). روانشناسی اجتماعی. تهران. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ملکیان، مصطفی. (۱۳۸۵). سازگاری دین و مدرنیته. تهران، روزنامه شرق.
- منیرپور، نادر و خوسفی، هلن. (۱۳۸۹). نقش نگرش‌های مذهبی و مقابله مذهبی را در پیش‌بینی سلامت روانی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷. ارائه‌شده در پنجمین سمینار بهداشت روانی دانشجویان. تهران: دانشگاه ایران، اردیبهشت، ۱۳۸۹.
- میرکوهی، مهدی. (۱۳۸۹). رابطه دین‌داری با سلامت روان در نوجوانان. علوم رفتاری ۱۳۸۹؛ ۲(۵): ۱۱۵-۱۳۵.

- Bakobza, G. (2007). The epistemological basis of selfhood. *Journal of New Ideas Psychology*. 25(1) : 37- 65.
- Berger, P., Berger, B. and Kellner, H. (1974). *The homeless mind*. middlesex: penguin books.
- Berzonsky, M. D. (2004). Identity processing style, self-construction, and personal epistemic assumptions: A social-cognitive perspective. *European Journal of Developmental Psychology*, 4, 303-315.
- Berzonsky, M. D. (1988). *Self-theorists, identity status, and social cognition*. In D. K. Lapsley & F. C. Power (Eds.), *Self ego, and identity: Integrative approaches* (pp. 243-262). New York: Springer.
- Berzonsky, M. D., Rice, K. G., & Neimeyer, G. J. (1990). Identity status and self construct systems: process and structure interactions. *Journal of Adolescence*, 13, 251-263.
- Berzonsky, M. D. (1993). A constructivist view of identity development: People as postpositivist self-theorists. . In J. Kroger (Ed.), *Discussions on ego identity* (pp. 169-203). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Berzonsky, M. D. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter? *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 3, 131-142.
- Berzonsky, M. D. Ciecuch, J., Duriez, C., & Soenens, B. (2011). The how and what of identity formation: Associations between identity styles and value orientations. *Personality and Individual Differences* 50, 295-299.
- Bharati, A. (1985). The self in Hindu thought and action. In A. J. Marsella, G. DeVos, & F. L. K. Hsu (Eds.), *Culture and self: Asian and Western perspectives* (pp. 185-230). New York: Tavistock Publications.
- Chandler, M. J., Lalonde, C. E., & Sokol, B. W. (2000). Continuities of selfhood in the face of radical development and cultural change. In L. P. Nucci, G. B. Saxe, & E. Turiel (Eds.), *Culture, thought, and development* (pp. 65-84). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.



- DeNeve, K. M., & Cooper, H. (1998). The happy personality: A meta-analysis of 137 personality traits and subjective well-being. *Psychological Bulletin*, 124, 197-229.
- Diener, E. D., Emmons, R. A., Larsen, R. J., & Griffin, S. (1985). The satisfaction with life scale. *Journal of personality assessment*, 49, 71-75.
- Duriez, B. & Soenens, B. (2006). Personality, identity styles, and religiosity: An integration study among late adolescents. *Journal of Adolescence* 29, 119-135.
- Epstein, S. (1973). The self-concept revisited, or a theory of a theory. *American Psychologist*, 28, 404-416.
- Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and crisis*. New York: Norton.
- Geertz, C. (1973). *The interpretation of cultures*. New York: Basic Books.
- Geertz, C. (1984). *From the native's point of view: On the nature of anthropological understanding*. In R. Shweder, & R. Levine (Eds.), *Culture theory: Essays on mind, self, and emotion* (pp. 123-136). Cambridge: Cambridge University Press.
- Heider, F. (1946). "Attitudes and Cognitive Organization". *Journal of Psychology* 21: 107-111.
- James, W. (1890). *Principles of psychology*. New York: Henry Holt.
- Johnson, F. (1985). The Western concept of self. In A. J. Marsella, G. DeVos, & F. L. K. Hsu (Eds.), *Culture and self: Asian and Western perspectives* (pp. 91-138). New York: Tavistock Publications.
- Kruglansky, A. W. (1989). *Lay epistemics and human knowledge: Cognitive and motivational bases*. New York: Plenum Press.
- Kelly, G. A. (1955). *The psychology of personal constructs*. New York: Norton.
- Kegan, R. (1982). *The evolving self: Problem and process in human development*. Cambridge: Harvard University Press.
- Markus, H. R., & Kitayama, S. (1991). Culture and the self: Implications for cognition, emotion and motivation. In A. J. Marsella, G. DeVos, & F. L. K. Hsu (Eds.), *Culture and self: Asian and Western perspectives*. New York: Tavistock Publications. *Psychological Review*, 98(2), 224-253.
- Markus, H., & Kunda, Z. (1986). Stability and malleability of the self-concept. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51(4), 858-866.
- Marsella, A. J., DeVos, G., & Hsu, F. L. K. (Eds.). (1985). *Culture and self: Asian and Western perspectives*. New York: Tavistock Publications.
- Moshman, D. (1999). *Adolescent psychological development: Rationality, morality, and identity*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Nurmi, J.E., Berzonsky, M.D., Tammi, K. & Kinney, A. (1997). Identity Processing orientation cognitive and behavioral strategies and Well-being. *International Journal of Behavioral Development*, 21(3), 555-570.
- Pavot, W., & Diener, E. (1993). Review of the Satisfaction with Life Scale. *Psychological Assessment*, 5, 164-172.
- Phillips, T.M., & Pittman J.F, (2007). Adolescent Psychological Well Being by Identity Style. *Journal of Adolescent*. 30,10-21.
- Schwartz, S. J. , & Mullis, R.L., & Waterman, A.S., & Dunham, R.M. (2000). Ego Identity status, identity style and personal expressiveness: An Empirical Investigation of Three Convergent Constructs. *Journal of Adolescence Research* . vol (15), 504,521.
- Shweder, R. A., & Bourne, E. J. (1984). Does the concept of the person vary cross-culturally? In R. A. Shweder, & R. Levine (Eds.), *Culture theory: Essays on mind, self, and emotion* (pp. 158-199). Cambridge: Cambridge University Press.

- Said, E. (1978). *Orientalism*. New York: Vintage Books.
- Suh, E. M. (2002). Culture, identity consistency, and subjective well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 83(6), 1378-1391.
- Triandis, H. C. (1989). The self and social behavior in differing cultural contexts. *Psychological Review*, 96(3), 506-520.
- Triandis, H. C. (1995). *Individualism and collectivism*. Boulder, CO: Westview Press.
- Turiel, E., & Perkins, S. A. (2004). Flexibilities of mind: Conflict and culture. *Human Development*, 47(3), 158-178.
- Vleioras, G & Bosma, A.H. (2005). Are Identity style important For Phsychological Well-Being ? *Journal of Adolescent*. vol (28) 397-409.

### Abstract

The aim of this study was to determine the arrangement of religion and the modern youth identity and its relation to the well-being. For this purpose, 360 youth participated in the study. The method of sampling was convenience. Modern identity questionnaire, Islamic identity questionnaire, identity processing style (ISIG3; Berzonsky, 1992) and The satisfaction with life scale (Diener, E. D., & et al, 1985) were applied. Results showed that there was a negative relationship between religious and modern identity in youth. Between modern identity and informational style as well as between religious identity and the normative style was a significant positive correlation. Well-Being positively related to normative identity and the informational identity and avoidance identity was no significant relationship with Well-Being. The findings suggest that the style of modern and religious identity both independently is organized, consistent and unique, which can be used as a form of monolithic identity. The Modern and Religious identity differences was in the internal dynamics and Well-being was associated with structure of identity rather than it's content.

**Key words:** *religious identity, modern identity, identity processing style, well-being,*